

نقش دهیاری‌ها در پایداری جمعیت سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: بخش میمند فارس)

علی اکبر عنایستانی - دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

سید عبدالرضا محمدی - مدرس گروه جغرافیا، دانشگاه پیام نور چهرم، چهرم، ایران

مجتبی روستا - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

محمد صیادی ابگلی^۱ - دانش آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

اصغر آوریده - دانش آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

تاریخ پذیرش: ۹۳/۰۹/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۲/۲۹

چکیده

دهیاری‌ها نهادهای عمومی و غیردولتی هستند که طی چند سال اخیر به منظور اداره امور عمومی روستاها در عرصه نظام مدیریت روستایی کشور مطرح شده‌اند و از آنجایی که یکی از مشکلات روستاها در حال حاضر مهاجرت شدید روستا-شهری است. هدف تحقیق، بررسی نقش دهیاری‌ها در پایداری جمعیت روستایی در سطح بخش میمند فارس می‌باشد. تحقیق حاضر از نظر نوع توصیفی - تحلیلی و به دو صورت اسنادی و پیمایش انجام گرفته است. ابزار تحقیق، پرسش‌نامه خود ساخته می‌باشد. جامعه آماری این تحقیق روستاهای دارای دهیاری فعال بخش می‌باشد که از ۱۷ روستای دارای دهیاری، روستاهای ابگل، گنک، پیرزتون، امیرسالار، مرادآباد، صحراسفید مورد مطالعه قرار گرفته که سابقه تاسیس دهیاری در این روستاها بیش از ۵ سال می‌باشد. داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد سطح معناداری رابطه متغیر مستقل میزان آشنایی مردم با وظایف دهیاری‌ها و متغیر وابسته میزان موفقیت دهیاری‌ها $0/000+$ شده است که چون کمتر از $0/05+$ می‌باشد، لذا وجود رابطه معنادار بین میزان آشنایی مردم با وظایف دهیاری‌ها و میزان موفقیت دهیاری‌ها تایید می‌گردد. میزان این رابطه $0/359+$ شده است که این رابطه در حد متوسط است و بدان معناست که تغییرات میزان آشنایی مردم با وظایف دهیاری‌ها $0/359$ درصد از تغییرات میزان موفقیت دهیاری‌ها را تبیین می‌کند. دهیاری‌ها با ثبت و ضبط اطلاعات مربوط به شاغلین و بیکاران در روستاهای مذکور و جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات و شناسایی نقاط قوت و توان‌های محیط روستاهای مذکور و توان و قابلیت‌های نیروی انسانی در روستای خویش از سوی دیگر می‌توانند به توسعه فرصت‌های شغلی در روستا بپردازند.

واژه‌گان کلیدی: روستا، مدیریت روستایی، دهیاری‌ها، مهاجرت، بخش میمند.

۱. مقدمه

در الگوی جدید برنامه‌ریزی و مدیریت روستا، تأکید بر رهیافت مشارکتی با حرکتی دوسویه است که عاملی مؤثر در افزایش توان اجتماعات برای پاسخگویی به نیازهای مردم روستایی در جریان توسعه به شمار می‌رود (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۶: ۸). با توجه به مباحث مدیریت روستایی، تشکیل شوراهای دهیاری‌ها به عنوان مدیران محلی، یکی از گام‌های اساسی به منظور تحقق تمرکز زدایی و سپردن امور مردم به مردم به شمار می‌روند. آینده مدیریت جدید روستایی متکی بر ظرفیت‌های جوامع محلی با اداره و کنترل دقیق مکان و بهره‌وری از منابع موجود می‌باشد. در مقطع جهانی شدن ارتباطات و تمرکز سرمایه‌ها، عملکرد دقیق برنامه‌ریزی‌ها برای توسعه روستایی و نواحی محلی، مقابله با خودکامگی و فردگرایی است. لذا مجموعه مدیریت باید به وسیله استراتژی‌های کارآمد، قدرت عمل، ابتکار در سازندگی و سیاستگذاری حساب شده همراه باشد. مدیریت جدید توسعه روستایی باید درک توسعه محلی، بروز ابتکارها، جمع‌گرایی و مشارکت را در دستور کار قرار دهد و قادر به تحلیل مشکلات اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی فضاها روستایی باشد (مطبعی لنگرودی، ۱۳۸۲: ۲۳۰-۲۲۹). نظام مدیریت روستایی نوین در ایران از زمان شکل‌گیری، تحولات متعددی داشته است (بزی و هدایتی، ۱۳۸۸: ۱۲۶). تحولات از پذیرش رسمی "کدخدا" عنوان مدیر روستا در دوران مشروطیت شروع شده و پس از پشت سر گذاردن تجربیات برخاسته از اصلاحات ارضی در دهه چهل و انقلاب اسلامی در اواخر دهه پنجاه در زمان حاضر به سازمان اجرایی جدیدی به نام "دهیار" به مسئولیت "دهیار" انجامیده است (ایمانی جاجرمی و عبداللهی، ۱۳۸۸: ۲۲۲). با این وصف مدیریت روستایی دارای یک ساز و کار و مفهوم کلی سازندگی است که الزاماً دهیاران به عنوان مدیران جدید روستا با عنایت به اهتمام دولت و مشارکت و خودیاری مردم باید قادر باشند تا در این راستا گامی مؤثر بردارند (مهجوی و نجفی‌کانی، ۱۳۸۴: ۲۲).

دهیاری یکی از نهادهای جدید در توسعه روستایی است که در دهه‌های اخیر جهت اداره و مدیریت توسعه روستایی ایجاد شده است. اگر توسعه بر مبنای نیاز مردم انجام شود، مناسبتر و صحیح‌تر خواهد بود که اینکار در سطح محلی توسط دهیاری‌ها انجام گیرد از این رو دهیاری به عنوان نماینده دولت در روستاها نقش بسزایی در حل و فصل مشکلات و مسایل روستاییان به دولت بر عهده دارد (جعفری نژاد و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۵). در چند دهه اخیر رشد بی‌رویه جمعیت از عمده‌ترین معضلات جوامع در حال توسعه به شمار می‌آید و یکی از بارزترین مسائل ناشی از آن، توزیع نامتوازن جمعیت در سطح ملی است که این مسأله با توجه به مهاجرت‌های بی‌رویه روستا به شهر هر روز حادثر شده است (مشفق، ۱۳۸۳: ۳۹۴).

همچنین بررسی تحولات شهرنشینی کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد که کلان‌شهرهای محدودی بخش عمده‌ای از جمعیت مناطق شهری و امکانات توسعه اقتصادی این کشورها را به خود جذب کرده‌اند و از آنجا که زیرساخت‌های آماده‌ای وجود نداشت تبعات اقتصادی-اجتماعی ناخواسته فراوانی را بر نظام اجتماعی و اقتصادی این کشورها تحمیل کرده است (نقدی، ۱۳۸۳: ۳۲۵). از آنجا که ریشه بیشتر این مهاجرت در مناطق روستایی نهفته است در این مقاله به بررسی نقش مدیران روستایی در زمینه‌ی پایداری جمعیت روستایی می‌پردازیم. از آنجا که یکی از اهداف شکل‌گیری دهیاری‌ها بهبود کیفیت زندگی در روستاهاست این پژوهش با هدف بررسی نقش دهیاری‌ها در بهبود کیفیت زندگی در روستا و در نتیجه نگاه داشتن جمعیت در روستاها می‌باشد. در این تحقیق به دنبال چرایی دو حوزه خواهیم بود یکی میزان موفقیت دهیاران و دیگری ارتباط آن با پایداری جمعیت در روستاهای مورد مطالعه، بنابراین، سوال‌های تحقیق عبارتند از:

- آشنا ساختن مردم با وظایف دهیاری‌ها به چه میزان در موفقیت عملکرد آن‌ها مؤثر بوده است؟

- دهیاری‌ها به عنوان مدیریت جدید روستایی به چه میزان در جلوگیری از مهاجرت‌های روستا - شهری موفق بوده‌اند؟

در پاسخ به سؤال‌های تحقیق، فرضیه‌های زیر قابل بررسی است:

- بین میزان آشنایی مردم با وظایف دهیاری‌ها و میزان موفقیت عملکرد آن‌ها رابطه معنی‌داری وجود دارد.

- موفقیت دهیاری‌ها در اداره‌ی امور روستاها در پایداری جمعیت روستایی مؤثر است.

۲. مروری بر ادبیات تحقیق

۲-۱. پیشینه تحقیق

در باب مدیریت روستایی، تحقیقات، مطالعات، گزارش و مقالاتی به رشته تحریر در آمده و گروه‌های علمی نظیر جغرافیا، مدیریت، جامعه‌شناسی و ... بدان پرداخته‌اند و عمدتاً در این پژوهش‌ها صاحب نظران به فراخور جهان بینی و زمینه علمی خویش از زوایا و ابعاد گوناگون مدیریت روستایی را مورد بررسی قرار داده‌اند. اما در خصوص دهیاری‌ها به عنوان مدیریت نوین روستایی با توجه به سابقه اندکی که از زمان تشکیل و تأسیس دارند، تحقیقات محدودی صورت گرفته است و در زمینه‌ی نقش آنان در پایداری جمعیت در روستاها کمتر پژوهشی انجام شده است. از جمله تحقیقات، مقالات و گزارش‌هایی که در این ارتباط نگارندگان به آن‌ها دسترسی داشته‌اند عبارتند از:

ریاحی و کرمی نسب (۱۳۹۲) در مقاله‌ای تحت عنوان "ارزیابی عملکرد دهیاری‌ها در توسعه فضایی - کالبدی سکونتگاه‌های روستایی مطالعه موردی: بخش کردیان شهرستان جهرم" به این نتیجه رسیدند که در بررسی عملکرد دهیاران، بهسازی و مقاوم سازی مساکن و کیفیت خدمات عمومی روستا مثبت و مکانیابی خدمات و تأسیسات منفی بوده است. قدیری معصوم و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی تحت عنوان "آسیب شناسی دهیاری‌های استان آذربایجان شرقی: مطالعه موردی: شهرستان بستان آباد" به این نتیجه رسیدند که فعالیت‌های پراکنده و بدون انسجام در منطقه مورد مطالعه از مسائل و چالش‌های جدی مدیریت روستایی است. فیروزآبای و جاجرمی (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان "وضعیت رضایت روستائیان و عوامل مرتبط با آن از عملکرد دهیاری‌ها مطالعه موردی: روستاهای استان قزوین" دریافتند که دهیاری‌ها توانسته‌اند که در روستاهایی که فاقد مدیریت بوده‌اند با انجام کارهای عمرانی مانند: آسفالت معابر و تأمین پاکیزگی محیط، رضایت نسبی را کسب کنند. فراهانی و رستم‌خانی (۱۳۹۱) در مقاله شان "بررسی و ارزیابی نقش دهیاری‌ها بر کیفیت زندگی در روستاها؛ مطالعه موردی: دهستان کرسف شهرستان خدابنده" به این نتیجه رسیدند که بدون دهیاری وجود داشت و فقط در حیطه گذران اوقات و فراغت تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد. استعلاجی و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان "نقش دهیاری‌ها در توسعه روستایی" دریافتند که با عملکرد شایسته دهیاری‌ها می‌توان در جهت توسعه پایدار روستایی گام برداشت. مقاله جعفری‌نژاد و همکاران (۱۳۸۹) تحت عنوان "بررسی جایگاه دهیاری‌ها به عنوان نهادهای میانجیگری بین دولت و مردم (مورد مطالعه: روستاهای شهرستان نجف‌آباد)" نشان داد که روستائیان با وجود اینکه رضایت نسبتاً بالایی از دهیاران دارند، از سازمان‌های متولی توسعه‌ی روستایی که در روستاها به فعالیت می‌پردازند، رضایت نسبتاً خوبی ندارند. فراهادی و زارع (۱۳۸۹) در مطالعه مدیریت روستایی چین با رویکرد حکمروایی نشان می‌دهند که در سه مقطع زمانی اولیه مدیریت روستایی در کشور چین بر اصول سنتی حاکم بر جامعه استوار بوده است ولی بعد از وقوع انقلاب دوم در چین، مدیریت روستایی و حکم‌روایی محلی در کشور چین دستاوردهای چشم‌گیری داشته است و از جمله سبب شکوفایی روستاها از نظر اجتماعی - اقتصادی افزایش مشارکت در امور فرهنگی روستاها، افزایش مشارکت مدنی و انتخابات آزاد در روستاها شده است. بزی و هدایتی (۱۳۸۹) در مطالعه روند تحولات مدیریت روستا در ایران با تأکید بر عملکرد شوراها نشان می‌دهند که شوراها به جز در مواردی که با کمبود یا نبود اعتبارات و امکانات لازم مواجه بوده‌اند، عملکرد مثبتی داشته‌اند. نعمتی و بدری (۱۳۸۶) در ارزیابی نقش کارکردی نظام نوین مدیریت روستایی به مقایسه و بررسی رابطه میان عوامل ساختاری، اجتماعی و اقتصادی با میزان موفقیت دهیاری‌ها در روستاهای کوچک و بزرگ پرداخته شده است. آن‌ها در این تحقیق به این نتیجه رسیدند که جمعیت به عنوان یک شاخص اساسی نقش مهمی در میزان موفقیت دهیاری‌ها دارد. شرایط موجود برای فعالیت دهیاری‌ها کاملاً به نفع روستاهای بزرگ و به زیان روستاهای کوچک است. افتخاری و همکاران (۱۳۸۶) در پژوهشی تحت عنوان "نگرشی نو به مدیریت روستایی با تأکید بر نهادهای تأثیرگذار"، به بررسی نهادهای تأثیرگذار در مدیریت توسعه روستایی (دولت، مردم و بازار) پرداخته و این سؤال را مطرح نموده که آیا مدیریت مشارکتی می‌تواند منجر به شکل‌گیری ترکیب مناسبی از بازیگران عرصه مدیریت روستایی شود؟ یافته‌های این تحقیق مبین این نکته است که امروزه نوع مدیریت در جامعه روستایی برای نیل به توسعه

پایدار که در آن انسان محور توسعه بوده و هدف نهایی آن نیز رساندن انسان به رضایتمندی در زندگی خود است، مدیریت مشارکتی یا نوین است و یکی از ارکان اصلی مدیریت و توسعه روستایی توانمندسازی است. عبدالعلی لهسایی‌زاده (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان مدیریت روستایی در ایران معاصر به این نتیجه رسیده است که حفظ نظم روستایی در هر سه دوره (قبل از اصلاحات ارضی، بین اصلاحات ارضی تا انقلاب اسلامی و بعد از آن) مشکلات خاص خود را داشته و امروز نیز روستاهای ایران با وجود دارا بودن نهادی رسمی برای مدیریت روستا از یک خلأ مدیریتی رنج می‌برند. آنچه می‌تواند راه حل این معضل اجتماعی باشد، پیوند زدن نهاد کنترل روستایی مردمی با ساختار رسمی جامعه است. قاسم‌نژاد درویشی (۱۳۸۵) با بررسی مقایسه‌ای مدیریت روستایی نشان می‌دهد که مدیریت روستایی در قبل و بعد از انقلاب اسلامی در جهت توسعه روستاها بوده است. بین مدیریت روستایی در قبل و بعد از انقلاب ارتباط وجود داشته و در تکمیل روند مدیریت روستایی نقش مردم در بعد از انقلاب اسلامی بیشتر شده است همچنین روستاهای برخوردار از امکانات محیطی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی از مدیریت مطلوبتری برخوردار بوده‌اند. یاری بداغ (۱۳۸۹) با عنوان بررسی نقش مدیریت روستایی (شوراهای اسلامی و دهیاری) در توسعه روستایی انجام شده نتایج نشان می‌دهد که ۶۴/۴ درصد از پاسخ‌گویان هدف از ایجاد مدیریت روستایی را اجرای طرح هادی، راه‌سازی، اداره روستا، خدمات رسانی به روستا و رسیدگی به مشکلات روستا می‌دانند. ۴۷/۶ درصد پاسخ‌گویان نقش مدیران در توسعه روستایی را زیاد ارزیابی کرده‌اند که ۴۵/۵ درصد بر توسعه فیزیکی - کالبدی معتقد بودند. ۵۴/۳ درصد از پاسخ‌گویان حمایت کافی دولت، آموزش، تجربه کافی، منابع مالی پایدار، مشارکت مردم و ابتکار و نوآوری را از عوامل مؤثر به موفقیت مدیران روستایی می‌دانند. نتایج مطالعات چوپچیان و همکاران (۱۳۸۶) در بررسی عوامل مؤثر بر عملکرد دهیاری‌های استان گیلان نشان می‌دهد که متغیرهایی که بر عملکرد دهیاران تأثیر معنی‌دار داشته‌اند عبارتند از: همکاری سازمان‌ها، رضایت شغلی دهیار، مشارکت مردمی، درآمد دهیاری و تجهیزات و امکانات دهیاری‌ها. محسن علی‌نی (۱۳۸۵) در بررسی زمینه‌های تاریخی و چالش‌های ساختاری مدیریت روستایی در ایران معتقد است که مدیریت روستایی در ایران از گذشته‌ی دور تاکنون با چالش‌های ساختاری و مسائل و مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو بوده است. از یک سو با توجه به تغییر شرایط و مقتضیات زمانی، دیگر ساختار سنتی اعمال مدیریت در مناطق روستایی قادر به حل و فصل مشکلات این جامعه‌ی تولیدکننده نبوده و از دیگر سو، ساختار جدید مدیریت روستایی که متنی بر مشارکت مردم در امور و برنامه‌ریزی از پایین به بالا است به دلایل متعدد از جمله غیر بومی بودن و ریشه در بطن جامعه‌ی ایرانی نداشتن توانست جایگاه خود را پیدا نماید.

مه‌دوی و نجفی کانی (۱۳۸۴)، در پژوهشی با عنوان دهیاری‌ها تجربه‌ای دیگر در مدیریت روستاهای ایران ضمن بررسی مسائل مدیریتی در ایران و تبیین چگونگی تشکیل دهیاری‌ها، نقاط قوت و ضعف آن‌ها را مورد تجزیه تحلیل قرار داده است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که فعالیت‌های دهیاران گواه بر این مدعا است که امروزه دهیاران می‌توانند نقش مهمی در توسعه روستایی به ویژه بهبود اوضاع کالبدی - فیزیکی روستا ایفاء نمایند. عبدالهیان و همکاران (۱۳۸۵) در مقاله‌ای تحت عنوان اندازه‌گیری عملکرد مدیریت روستایی در ایران بر اساس عوامل تأثیرگذار بر فرآیند مدیریت روستاهای ایران، با طراحی فرمول اندازه‌گیری عملکرد مدیریت روستایی، ابزاری را برای سیاست‌گذاری‌های مدیریتی در روستاها فراهم نموده‌اند تا با کاربرد این ابزار بتوان اصلاح لازم را در حوزه ضعف‌های نظام مدیریت روستایی ایجاد کرد. تقدیسی و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی به این نتیجه دست یافتند که دهیاری در روستاهای بزرگ به مراتب موفق‌تر از روستاهای کوچک عمل کرده و با توجه به موارد قانونی و شرایطی که برای فعالیت دهیاری‌ها در نظر گرفته شده است می‌توان دریافت که جمعیت ملاک تعیین‌کننده‌ای برای موفقیت دهیاری‌هاست. البته بیان این مساله به معنای پذیرش جمعیت به عنوان یک ملاک کلی برای ارائه خدمات به دهیاری‌ها نمی‌باشد. حسونود (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان تجربه دهیاری‌ها، موانع توفیق و کارکردهای آن‌ها: مطالعه موردی دهیاری‌های شهرستان سلسله در استان لرستان متغیر موانع و مشکلات اجرایی و پشتیبانی بیشترین تأثیر را در عدم توفیق دهیاری‌ها دارد و مشکلات مالی، اجتماعی، مشکلات مربوط به شخص دهیار و مشکلات قانونی در رده‌های بعد قرار دارند.

۲-۲. مبانی نظری تحقیق

۲-۲-۱. مدیریت و مدیریت روستایی

مدیریت فرآیند بکارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه‌ریزی، ساماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی بر اساس نظام ارزشی مورد قبول صورت می‌گیرد (رضاییان، ۱۳۷۹: ۶). آنچه از مفهوم مدیریت روستا به عنوان یک واحد سکونتگاهی به ذهن متبادر می‌شود، ممکن است چندان قرابتی با نظریات رایج در باب مدیریت نداشته باشد. این موضوع بخصوص در ایران که شرایط خاصی بر محیط‌های روستایی از نظر روابط اجتماعی و فرهنگی حاکم است، صدق می‌کند. بنابراین هنگامی که از مدیریت روستایی سخن به میان می‌آید ممکن است لزوماً منظور مدیریتی اندیشیده شده و برنامه‌ریزی شده نباشد. به عبارتی نقش عرف، عادات و سنن در مدیریت روستایی تعیین کننده است (طالب، ۱۳۷۶: ۱). مدیریت روستایی در واقع فرآیند سازماندهی و هدایت جامعه و محیط روستایی از طریق شکل دادن به سازمان‌ها و نهادهاست. این سازمان‌ها و نهادها وسایل تأمین هدف‌های جامعه روستایی هستند. مدیریت روستایی فرآیند چند جانبه‌ای است که شامل سه رکن، مردم، دولت و نهادهای عمومی است. در این فرآیند با مشارکت مردم و از طریق تشکیلات و سازمان‌های روستایی و برنامه‌ها و طرح‌های توسعه روستایی تدوین و اجرا گردیده و تحت نظارت و ارزشیابی قرار می‌گیرد (رضوانی، ۱۳۸۳: ۲۱۱).

۲-۲-۲. دهیاری

دهیاری نهادی عمومی و غیر دولتی است که به منظور اداره امور روستا تأسیس می‌شود. ماده واحده قانون تأسیس دهیاری‌های خودکفا در کشور (مصوب ۱۳۷۷/۴/۴) چنین مقرر می‌دارد: "به وزارت کشور اجازه داده می‌شود به منظور اداره امور روستاها، سازمانی بنام دهیاری با توجه به موقعیت محل با درخواست اهالی و به صورت خودکفا باشخصیت حقوقی مستقل در این روستاها تأسیس نماید" (اکبری، ۱۳۸۴: ۱۳۵). تأسیس دهیاری در واقع سرآغاز ایجاد مدیریت محلی در روستاهای کشور است. دهیاری دارای ارتباطی دو جانبه با مردم و دولت می‌باشد. ارتباط دهیاری با دولت از طریق نزدیکترین سطح حکومتی ناظر بر دهیاری‌ها یا به عبارتی کوچکترین سطح نمایندگی دولتی یعنی بخشداری‌ها انجام می‌شود. شورا نیز به عنوان یک نهاد مدنی دهیاری را با مردم پیوند می‌زند. شورا وظیفه دارد دهیار را بر اساس ضوابط و مقررات انتخاب نماید، اما حکم دهیار به وسیله بخشدار صادر می‌شود ایجاد این نهاد محصول تحولات نیمه دوم دهه ۷۰ در ایجاد نهادهای مردمی و شورایی است. دهیار طبق ماده ۱۰ اساسنامه تشکیلات و سازمان دهیاری‌ها (مصوب ۱۳۸۰) موظف است فرامین و قوانین دولتی را اعلام و مصوبات شورای اسلامی روستا را اجرا کند، با نیروی انتظامی همکاری داشته باشد و در حل اختلافات عمومی، حفظ نظم عمومی، اجرای مقررات نظام وظیفه، نگهداری و حفظ تأسیسات عمومی و عمرانی، حفاظت از اموال و دارایی‌های روستا و اجرای مقررات بهداشتی، حفظ نظافت و ایجاد زمینه مناسب برای تأمین بهداشت محیط کوشا باشد. همچنین دهیار موظف است با سازمان‌ها و نهادهای دولتی جهت اداره بهتر روستا همکاری داشته باشد (نعمتی، ۱۳۸۶: ۵).

طبق اساسنامه، تشکیلات و سازمان دهیاری‌ها (مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۱) ۴۸ وظیفه برای دهیار مشخص شده است. بررسی این وظایف نشان می‌دهد که اکثر آن‌ها در حیطه خدمات عمومی (امور عمومی) قرار دارند. براساس بند ب ماده ۱۳۷ قانون برنامه چهارم توسعه مقرر شده است که بخشی از وظایف دستگاه‌های اجرایی بر اساس میزان توانمندی دهیار به همراه کلیه منابع درآمدی لازم در طول اجرای برنامه به دهیاران واگذار شود. برای انجام این وظایف، دهیاری نیازمند منابع و امکاناتی است تا ضمن انجام وظایف خود مشارکت اهالی را نیز جلب نماید. این وظائف در چند گروه قابل تقسیم بندی می‌باشند:

۱. وظایفی که دهیار در زمینه امور عمومی روستا بر عهده دارد. برخی از مصادیق این دسته از وظایف دهیار عبارتند از: بهبود وضعیت زیست محیطی روستا، مراقبت بر اجرای مقررات بهداشتی و حفظ نظافت، تنظیف، نگهداری و تسطیح معابر و ...
۲. وظایفی که دهیار در مقابل شورا ملزم به انجام آن است، از جمله: اجرای مصوبات شورا، کمک به شورا در خصوص بررسی و شناخت کمبودها و نیازها، مشارکت و همکاری با شورا در اجرای طرح‌های عمرانی، ارسال گزارش‌های درخواست شده به شورا و ...

۳. وظایفی که دهیار در ارتباط با ارگان‌های مرتبط با روستا بر عهده دارد، از جمله: همکاری با سازمان ثبت احوال در جهت ثبت موایلد و متوفیات و تهیه آمار مربوط، همکاری با نیروی انتظامی و ارسال گزارش پیرامون وقوع جرائم، همکاری با سازمان‌ها و نهادهای دولتی، تشریح مساعی با وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، تشریح مساعی با سازمان میراث فرهنگی و ...

۴. وظایفی که دهیار در جهت عمران و آبادانی روستا بر عهده دارد (وظایف عمرانی دهیار) از جمله: تشویق و ترغیب روستاییان به توسعه صنایع دستی و ترویج و بازاریابی محصولات کشاورزی، کمک در احداث تأسیسات تولید آب، برق و ...

۵. سایر وظایف دهیار که شامل موارد متعدد و متنوعی می‌شود، از جمله: تهیه تعرفه عوارض با کمک شورا، وصول عوارض مصوب مراجع قانونی، برآورد و تنظیم و ارائه بودجه سالیانه دهیاری، اهداء و قبول اعانات و هدایا، انجام معاملات دهیاری، صدور پروانه برای ساختمان‌های که در محدوده قانونی روستا قرار دارند و ...

در آخر هدف از تعیین وظایف بالا برای مدیران روستایی این است که روستاها را به محیطی قابل زندگی برای روستاییان تبدیل شود از تا یکی از مشکلات حال حاضر که مهاجرت شدید روستا شهری است جلوگیری شود یا حداقل کاسته شود.

۳-۲-۲. مهاجرت

مهاجرت شکلی از تحرک جغرافیایی یا مکانی است که بین دو واحد جغرافیایی صورت می‌گیرد. این تحرک جغرافیایی، تغییر اقامتگاه از مبدأ یا محل سکونت به مقصد یا محل ورود است که به این نوع مهاجرت، مهاجرت دائم که باید آنرا از دیگر اشکال مهاجرت که متضمن تغییر دائمی نیست جدا نمود (امانی و دیگران، ۱۳۵۴: ۷۱). مهاجرت روستایی برای اولین بار در سال ۱۸۹۲ میلادی توسط گراهام انگلیسی به کار برده شد معادل این عبارت که در منابع گوناگون ذکر می‌گردد عبارتند از: کوچ داخلی، برون کوچی روستایی، ترک روستاها، روستا گریزی، خالی شدن روستاها، برون کوچی روستا به شهر و در نهایت ترک سرزمین (قاسمی‌اردهایی، ۱۳۸۵: ۲). وضعیت مهاجرت در روستاهای نمونه به شرح ذیل می‌باشد:

جمعیت مورد انتظار: بر اساس فرمول آینده‌نگری جمعیت بر پایه نرخ رشد جمعیت کشور در دوره مورد بحث به استناد جمعیت سال پایه (۱۳۷۵) بدست می‌آید.

بیان مهاجرت: تفاضل جمعیت واقعی با جمعیت مورد انتظار سال مورد بحث (۱۳۸۵) خواهد که یا مثبت (مهاجرپذیر) و یا منفی (مهاجرفرست) خواهد بود.

بر طبق جدول (۱)، بیان مهاجرت در تمام روستاهای نمونه بجز روستاهای آبگل و امیرسالار طی دهه ۸۵-۱۳۷۵، منفی می‌باشد که نشان دهنده این است که بقیه روستاها در این دهه مهاجرفرست بوده اند و فقط روستاهای آبگل و امیرسالار مهاجرپذیر هستند.

جدول ۱. مهاجرت در سکونتگاه‌های روستایی مورد مطالعه (۸۵-۱۳۷۵)

نام دهستان	جمعیت سال ۷۵	جمعیت سال ۸۵	جمعیت مورد انتظار سال ۱۳۸۵	بیان مهاجرت
آبگل	۱۲۱۸	۱۵۷۹	۱۴۳۰	+۱۴۹
گنگ	۵۸۲	۶۴۵	۶۸۳	-۲۸
پرزیتون	۱۸۹۵	۲۰۰۴	۲۲۲۵	-۲۲۱
امیرسالار	۸۷	۱۱۳۰	۱۰۴۱	+۸۹
مرادآباد	۵۱۹	۵۹۳	۶۰۹	-۱۶
صحرا سفید	۳۲۵	۳۲۵	۳۸۱	-۵۶
جمع	۵۴۲۶	۶۲۷۶	۶۳۷۱	-۹۵
نرخ رشد متوسط جمعیت کشور (۸۵-۱۳۷۵) ۱/۶۲				

همچنین بر طبق جدول (۲)، بیلان مهاجرت در تمام روستاهای نمونه بجز روستاهای آبگل و گنگ طی سال‌های ۹۰-۱۳۸۵، منفی می‌باشد که نشان دهنده این است که بقیه روستاهای مورد نظر مهاجرفرست بوده‌اند و روستاهای آبگل و گنگ مهاجرپذیر هستند.

جدول ۲. مهاجرت در سکونتگاه‌های روستایی مورد مطالعه (۹۰-۱۳۸۵)

نام روستا	جمعیت سال ۸۵	جمعیت سال ۹۰	جمعیت مورد انتظار سال ۱۳۹۰	بیلان مهاجرت
آبگل	۱۵۷۹	۱۸۷۰	۱۶۸۳	+۱۸۷
گنگ	۶۴۵	۷۰۳	۶۸۷	+۱۶
پرزیتون	۲۰۰۴	۲۱۳۱	۲۱۳۶	-۵
امیرسالار	۱۱۳۰	۹۸۲	۱۲۰۴	-۲۲۲
مرادآباد	۵۹۳	۳۲۹	۶۳۲	-۲۰۳
صحراسفید	۳۲۵	۳۴۲	۳۴۶	-۴
جمع	۶۲۷۶	۶۴۵۷	۶۶۹۱	-۲۲۴

نرخ رشد متوسط جمعیت کشور (۹۰-۱۳۸۵) ۱/۲۹

منبع: مرکز آمار ایران، ۸۵-۱۳۷۵ و یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

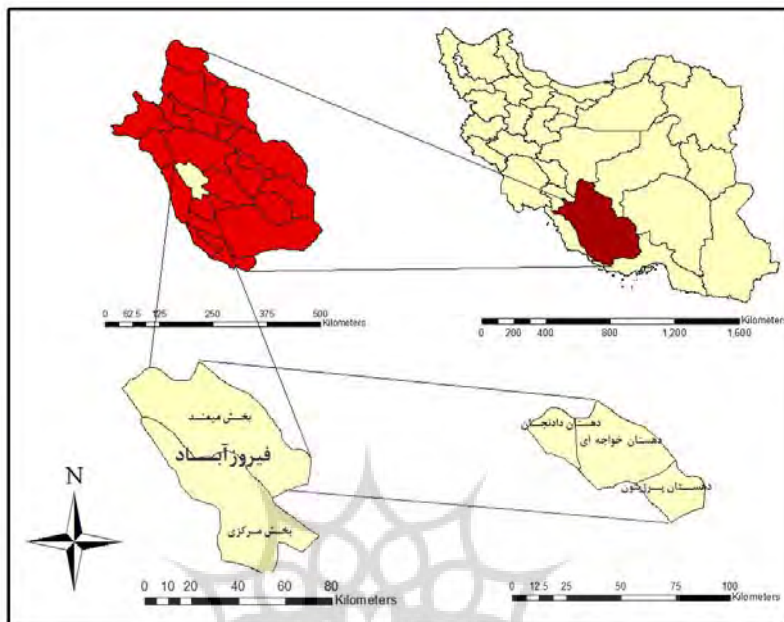
۳. روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش به لحاظ ماهیت، کاربردی و از نظر روش‌شناسی، توصیفی تحلیلی است. روش جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای، اسنادی و میدانی (پرسش‌نامه) می‌باشد و با استفاده از نرم افزار SPSS به تحلیل اطلاعات مربوط به پرسش‌نامه‌ها پرداخته شده است. جامعه آماری مورد مطالعه در این تحقیق از روستاهای دارای دهیاری فعال در بخش میمند فارس می‌باشد که از ۱۷ روستای دارای دهیاری، روستاهای آبگل، گنگ، پرزیتون، امیرسالار، مرادآباد، صحراسفید مورد مطالعه قرر گرفته‌اند که سابقه تأسیس دهیاری در این روستاها بیش از ۵ سال می‌باشد. حجم نمونه با جمعیت ۷۰۰۰ نفر، و $(t=1.96)$ ، $(d=0.5)$ ، $(p=0.5)$ ، $(q=0.5)$ ، تعداد ۱۳۹ نفر محاسبه شد. نمونه‌گیری بر اساس طبقه‌بندی صورت گرفت و تعداد نمونه‌ها بر اساس سهم جمعیتی در هر روستا توزیع شد که پرسش‌گری از آن‌ها به صورت تصادفی به عمل آمده است. در تحقیق حاضر، جهت افزایش درجه اعتبار، از روش صوری استفاده شده است. بدین منظور، پرسش‌نامه بعد از تدوین در اختیار صاحب‌نظران، متخصصان و استادان قرار گرفت و پس از جمع‌آوری نظرات آن‌ها، اصلاحات لازم انجام شد. برای تعیین روایی این تحقیق از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. در واقع آلفای کرونباخ نشانگر انسجام درونی و همسازی داخلی گویه‌ها به شمار می‌رود. در این تحقیق میزان آلفای محاسبه شده ۰/۷۹ اعداد مطلوبی است و می‌توان گفت که دقت لازم برای احراز پایداری سازه‌ها در پرسش‌نامه به کار گرفته شده و گویه‌های طراحی شده برای سنجش متغیرها با یکدیگر همبستگی درونی دارند.

۴. محدوده مورد مطالعه

بخش میمند با ۳۱۹۴۲ کیلومتر مربع وسعت یکی از بخش‌های شهرستان فیروزآباد و در محدوده بین بخش‌های کوار و کوهمره شهرستان شیراز، خفر و سیمکان شهرستان جهرم، و بخش مرکزی شهرستان فیروزآباد واقع شده است. این بخش شامل یک شهر به نام میمند و ۳ دهستان به نام‌های خواجه‌ای، پرزیتون و دادنجان و تعداد ۸۴ روستا و آبادی می‌باشد که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: کوشک سرتنگ، چاریبید، صحراسفید، گنگ، آبگل، افرا، امیرسالار، ترکسلویه، تنگریز، بنه خفرک، مرادآباد، اسماعیل آباد، جوکان،

زنجیران، موک، سریزجان، دارنجان، مرجان (اطلس گیتاشناسی استان‌های ایران، ۱۳۸۳ خ. و). طبق سرشماری سال ۸۵ جمعیت این بخش بالغ بر ۴۰۰۰۰ نفر بوده است (www.sci.org.ir).



شکل ۱. موقعیت بخش میمند در تقسیمات کشوری

جمعیت بخش میمند در طی سرشماری‌های جمعیتی از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵، فراز و فرودهای زیادی را داشته است. بر اساس داده‌های ارائه شده از سوی سازمان مرکز آمار ایران جمعیت بخش میمند در سال ۱۳۳۵ برابر با ۱۵۴۰۳ نفر بوده است که حدود ۱۴ درصد از کل جمعیت شهرستان را در خود جای داده است. جمعیت بخش میمند در دهه ۱۳۴۵-۱۳۳۵ بالغ بر ۱۷۵۴۸ نفر شده است که در سال ۴۵ سهم بخش میمند به ۱۲/۶ درصد کاهش یافته است. جمعیت بخش میمند طی دهه‌های ۴۵ به بعد همواره افزایش یافته بدین صورت که طی سال‌های ۵۵، ۶۵ و ۷۵ به ترتیب: ۲۱۵۴۸، ۲۵۳۳۹ و ۳۲۰۰۷ نفر بوده است و سهم جمعیت بخش میمند از جمعیت شهرستان طی این سه دوره سرشماری به ترتیب: ۱۶، ۱۵/۳ و ۱۵/۵ درصد بوده است. در سرشماری ۸۵ به ۳۵۶۲۲ نفر و سهم جمعیت آن از جمعیت شهرستان به ۳۴۱۴ درصد افزایش یافته است که این افزایش شدید جمعیت به دلیل ارتقای بخش‌های فراشوند و قیر و کارزین به شهرستان و جدایی آن‌ها از شهرستان فیروزآباد و در نتیجه کوچکتر شدن وسعت و کاهش جمعیت شهرستان فیروزآباد بوده است.

۵. یافته‌های تحقیق

۵-۱. یافته‌های توصیفی

بر اساس نتایج تحقیق ۵۳ درصد از دهیاران روستاهای نمونه دارای سواد دیپلم و ۱۷ درصد دارای سواد فوق دیپلم و ۳۱ درصد دارای سواد لیسانس و بالاتر بوده‌اند و لازم به ذکر است که ۴۷ درصد از دهیاران منبع اصلی درآمدشان از کشاورزی و ۷ درصد از دامداری، ۳۶ درصد از حقوق دهیاری و ۱۰ درصد از فعالیت‌های خدماتی می‌باشد. بنا بر اظهارات دهیاران پرداخت به موقع حقوق دهیاران و همچنین بیمه کردن دهیاران باعث دلگرمی و بهبود عملکرد آن‌ها خواهد شد. متوسط درآمد ماهیانه حاصل از دهیاری کمتر از ۱۹۵۰۰۰ تومان می‌باشد که از طریق شورا پرداخت می‌شود. بنا بر اظهار دهیاران همین مبلغ اندک هم چند ماه یک‌بار

پرداخت می‌شود. لذا دهیاران امنیت شغلی ندارند و اکثراً پاره وقت و شغل دیگری هم دارند. مشکل دیگر این است که دریافت حقوق توسط دهیاران برای شورا قابل توجه نیست و این امر هم می‌تواند بر رضایت شغلی دهیار و بالطبع عملکرد آن‌ها اثر گذار باشد. زیرا برخی از آن‌ها منبع درآمد دیگری جز دهیاری ندارند. بنا بر اظهارات دهیاران پرداخت به موقع حقوق دهیاران و همچنین بیمه کردن دهیاران باعث دلگرمی و بهبود عملکرد آن‌ها خواهد شد. طی بررسی‌های به عمل آمده ۴۸ درصد دهیاران از قبول مسئولیت دهیاری در حد زیاد و خیلی زیاد، ۳۱ درصد در حد متوسط و ۲۱ درصد کم و خیلی کم رضایت داشته‌اند. بنا بر اظهار نظر دهیاران عواملی که سبب می‌شود اکثریت دهیاران رضایت شغلی خود را در حد متوسط و کم بدانند این است که سطح حقوق، مزایا و دیگر خدمات مورد نیاز دهیار، متناسب با کارکرد و فشار کاری دهیار نمی‌باشد و حتی در قانون دهیاری‌ها، زمان خدمت دهیار ۴ سال و از طرف شورا تعیین شده است. بدون آنکه حقی برای وی در زمینه استخدام و یا مطالباتی از قبیل بیمه تأمین اجتماعی، خدمات درمانی و بیکاری قائل شود، بنابراین صراحتاً این حقوق در همان قانون از وی سلب شده است.

۲-۵. یافته‌های تحلیلی

۱-۲-۵. عوامل مؤثر بر موفقیت دهیاران

برای یافتن پاسخ این سوال که در بین متغیرهای مرتبط مورد مطالعه در این پژوهش کدامیک بر عملکرد دهیاری‌ها تأثیر گذارند؟ از تکنیک آماری رگرسیون چند متغیره استفاده شد. لذا جهت بررسی تأثیر همزمان متغیرهای مستقل بر عملکرد دهیاری، متغیرهای مستقل سن دهیار، تحصیلات دهیار، توانایی اجرایی دهیار، توانایی ارتباطی دهیار، میزان آشنایی دهیار با وظایف خود، میزان آموزش دهیار، تعداد بازدید مسئولین از دهیاری‌ها، امکانات و تجهیزات در اختیار دهیاری، فاصله روستا تا مرکز شهر، جمعیت روستا، کمک‌های مردمی و تعداد پیشنهادات مردمی به دهیاری و همچنین متغیر وابسته (عملکرد دهیاری) در معادله رگرسیون چند متغیره وارد شدند.

جدول (۱)، مدل رگرسیون، ضرایب رگرسیونی، وسایر اطلاعات بر آمده از محاسبه رگرسیون چند متغیری را نشان می‌دهد. با توجه به سطح معنی داری ضریب F ، از مجموع متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون، تنها سه متغیر توانایی اجرایی دهیار، امکانات و تجهیزات در اختیار دهیاری و میزان بازدیدهای مسئولان از دهیاری‌ها، رابطه معنی داری را با عملکرد دهیاری‌ها نشان می‌دهند. مقدار ضریب همبستگی چندگانه، (R) که برابر با ۰.۶۶۱ است نشان می‌دهد، متغیرهای معنی دار در معادله رگرسیون با متغیر عملکرد دهیاری‌ها همبستگی بالایی دارند. ضریب تعیین تصحیح شده نشان می‌دهد که حدود ۳۹ درصد از تغییرات عملکرد دهیاری‌ها توسط متغیرهای توانایی اجرایی دهیار، امکانات و تجهیزات در اختیار دهیاری و میزان بازدیدهای مسئولان از دهیاری‌ها، تبیین می‌شود. استفاده از مدل رگرسیون چندمتغیره به روش گام به گام، نشان می‌دهد، توانایی اجرایی دهیار ۱۸ درصد از تغییرات عملکرد دهیاری‌ها را تبیین می‌کند. ۱۱ درصد از تغییرات را متغیر امکانات و تجهیزات در اختیار دهیاری توضیح می‌دهد و بقیه تغییرات (۱۰ درصد) توسط متغیر بازدید مسئولان از دهیاری تبیین می‌گردد. ضرایب رگرسیون استاندارد (بتاها β) نیز نشان می‌دهد، که توانایی اجرایی دهیار، قوی‌ترین رابطه مثبت (۰.۴۱) را با عملکرد دهیاری دارد. بنابراین دهیاری‌هایی که دارای دهیارانی با توانایی اجرایی بالا می‌باشند، دارای عملکرد بالاتری خواهند بود. همچنین افزایش میزان امکانات و تجهیزات در اختیار دهیاری‌ها و افزایش تعداد بازدیدهای مسئولان از دهیاری‌ها نیز هر یک به میزان‌های متفاوتی (به ترتیب: ۰.۳۲ و ۰.۲۹)، عملکرد دهیاری‌ها را افزایش می‌دهند. با توجه به مقادیر B ، معادله رگرسیون عوامل مؤثر بر عملکرد دهیاری‌ها را می‌توان بصورت ذیل نوشت:

$$۰/۳۴ * (بازدید مسؤولان) + ۰/۴۵ * (امکانات و تجهیزات دهیاری) + ۰/۷۱ * (توانایی اجرایی دهیار) + ۵/۳ = \text{عملکرد دهیاری}$$

جدول ۳. تحلیل رگرسیون چند متغیری مربوط به تأثیر متغیرهای مستقل بر میزان عملکرد دهیاری‌ها

متغیرها	B	β	مقدار T	سطح معنی داری
مقدار ثابت	۵.۳	-	۲.۲۲	۰.۰۳۱
سن دهیار	۰.۰۰۳۱	۰.۰۵۴	۰.۰۲۴	۰.۰۰۹
تحصیلات دهیار	۰.۰۰۲۱	۰.۰۲۱	۰.۰۱۷	۰.۱۲
توانایی اجرایی دهیار	۰.۷۱	۰.۴۱۲	۵.۳۱	۰.۰۰
توانایی ارتباطی دهیار	۰.۰۴۵	۰.۰۵۴۷	۰.۴۳۲	۰.۲۱
آشنایی دهیار با وظایف خود	۰.۰۵۵	۰.۲۱۳	۰.۳۲۱	۰.۳۴
آموزش دهیار	۰.۰۰۸۷	۰.۰۳۴	۰.۰۴۳	۰.۵۳
امکانات و تجهیزات در اختیار دهیاری	۰.۴۵	۰.۳۲۴	۵.۱۴	۰.۰۱
بازدیدهای مسئولان از دهیاری	۰.۳۴	۰.۲۹۲	۵.۰۳	۰.۰۲
فاصله روستا تا مرکز شهر	۰.۰۰۳۲	۰.۰۹۶	۰.۰۳۴	۰.۲۶
جمعیت روستا	۰.۰۴۲	۰.۰۸۷	۰.۴۵۱	۰.۸۹
کمک‌های مردمی به دهیاری	۰.۰۰۳۲	۰.۲۱۵	۰.۰۹۵	۰.۹۱
پیشنهادات مردم به دهیاری	۰.۰۳۷	۰.۰۷۶	۰.۱۳۴	۰.۰۹
	R = 0.661	F= 5.32		

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۱

۲-۵. بررسی رابطه بین میزان آشنایی مردم با وظایف دهیاری و موفقیت دهیاران

همیشه آشنایی مردم با وظایف مدیران و مسئولین نقشی اساسی در میزان موفقیت آن‌ها دارد. زیرا یکی از دلایل موفقیت هر مدیری، همکاری مردم با او در زمینه انجام وظایفش است و در صورت عدم آشنایی مردم با وظایف مسئولین و بدنبال آن نداشتن همکاری لازم با مدیران و مسئولان در انجام امور، هر مدیری ناموفق خواهد بود.

جدول ۴. رابطه چندگانه بین دو متغیر میزان آشنایی مردم با وظایف دهیاری‌ها و میزان موفقیت دهیاری‌ها

شرح	میزان موفقیت دهیاری‌ها								جمع		میزان آشنایی روستاییان با وظایف دهیار	
	خیلی زیاد		زیاد		متوسط		کم					خیلی کم
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد
خیلی زیاد	۳۸/۹	۹	۲۶/۵	۴	۸	۴	۱۹/۴	۲۷	۰	۰	۱۴	۱۹/۴
زیاد	۲۵	۶	۱۷/۶	۷	۱۴	۳	۱۸/۸	۲۵	۰	۰	۹	۱۸
متوسط	۲۵	۱۳	۳۸/۲	۲۶	۵۲	۷	۴۳/۸	۵۵	۰	۰	۹	۳۹/۶
کم	۱۱/۱	۴	۱۷/۶	۱۲	۲۴	۵	۳۱/۲	۲۸	۳/۳	۱	۴	۲۰/۱
خیلی کم	۰	۰	۰	۱	۲	۱	۶/۲	۴	۶۶/۷	۲	۰	۲/۹
جمع	۱۰۰	۳۶	۱۰۰	۵۰	۱۰۰	۱۶	۱۰۰	۱۳۹	۱۰۰	۳	۳۶	۱۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۱

جدول ۵. نتایج آزمون تاو بی کندال و دی سامرز بین متغیر آشنایی مردم با وظایف دهیاری‌ها و میزان موفقیت دهیاری‌ها

شرح	ضریب	خطای استاندارد	T ضریب	سطح معناداری
آزمون دی سامرز	۰/۳۵۹	۰/۰۶۴	۵/۶۴۹	۰/۰۰۰
آزمون تاو بی کندال	۰/۳۵۹	۰/۰۶۴	۵/۶۴۹	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۱

بر اساس جدول (۵)، بر اساس هر دو آزمون تاو بی کندال و دی سامرز، بین میزان آشنایی مردم با وظایف دهیاری‌ها و میزان موفقیت دهیاری‌ها دارای رابطه مستقیم و مثبت می‌باشند. سطح معناداری رابطه متغیر مستقل میزان آشنایی مردم با وظایف دهیاری‌ها و متغیر وابسته میزان موفقیت دهیاری‌ها ۰/۰۰۰ شده است که چون کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، لذا وجود رابطه معنادار بین میزان آشنایی مردم با وظایف دهیاری‌ها و میزان موفقیت دهیاری‌ها تأیید می‌گردد. میزان این رابطه ۰/۳۵۹ شده است که این رابطه در حد متوسط است و بدان معناست که تغییرات میزان آشنایی مردم با وظایف دهیاری‌ها ۳۵/۹ درصد از تغییرات میزان موفقیت دهیاری‌ها را تبیین می‌کند. بنا براین فرضیه اول تأیید می‌گردد.

۳-۲-۵. بررسی رابطه بین میزان موفقیت دهیاران و میزان مهاجرت از روستا

یکی از اهداف پژوهش حاضر، دست یابی به این نکته است که آیا میزان موفقیت دهیاری‌ها بر پایداری جمعیت در روستاهای مورد مطالعه تأثیرگذار بوده است؟ برای ذسیدن به این جواب از رابطه بین موفقیت دهیاری‌ها و میزان مهاجرتی از دیدگاه روستاییان استفاده شده است و نتایج آن در جدول (۶) ارائه شده است.

جدول ۶. رابطه چندگانه بین دو متغیر میزان موفقیت دهیاری‌ها و میزان مهاجرت از روستا

شرح	میزان مهاجرت										میزان موفقیت دهیاری‌ها	
	خیلی زیاد		زیاد		متوسط		کم		خیلی کم			
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد		
خیلی زیاد	۱	۱۰	۱۲	۴۰	۱۰	۳۵/۷	۲۲	۴۶/۸	۱۹	۷۲/۹	۶۴	۴۶
زیاد	۳	۳۰	۱۰	۳۳/۳	۹	۳۲/۱	۱۴	۲۵/۵	۳	۸/۳	۳۶	۲۵/۹
متوسط	۱	۱۰	۶	۲۰	۵	۱۷/۹	۸	۱۷	۳	۱۲/۵	۲۳	۱۶/۵
کم	۵	۵۰	۲	۶/۷	۴	۱۴/۳	۴	۸/۵	۰	۰	۲۸	۲۰/۱
خیلی کم	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۲/۱	۲	۶۶/۷	۱۵	۱۰/۸
جمع	۱۰	۱۰۰	۳۰	۱۰۰	۲۸	۱۰۰	۴۷	۱۰۰	۳	۱۰۰	۱۳۹	۱۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۱

جدول ۷. نتایج آزمون تاو بی کندال و دی سامرز بین دو متغیر میزان موفقیت دهیاری‌ها و میزان مهاجرت از روستا

شرح	ضریب	خطای استاندارد	T ضریب	سطح معناداری
آزمون دی سامرز	-۰/۲۵۱	۰/۰۶۸	-۳/۶۶۱	۰/۰۰۰
آزمون تاو بی کندال	-۰/۲۵۱	۰/۰۶۸	-۳/۶۶۱	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۱

با توجه به جدول (۷) و بر اساس هر دو آزمون تاو بی کندال و دی سامرز، بین میزان موفقیت دهیاری‌ها و میزان مهاجرت از روستا رابطه معنادار و معکوس وجود دارد. بدین معنا که هرچه میزان موفقیت دهیاری‌ها بیشتر باشد میزان مهاجرت کاهش می‌یابد. سطح معناداری رابطه بین دو متغیر مستقل میزان موفقیت دهیاری‌ها و متغیر وابسته میزان مهاجرت $0/000$ شده است که چون کمتر از $0/05$ می‌باشد، لذا وجود رابطه معنادار بین میزان موفقیت دهیاری‌ها و میزان مهاجرت دهیاری‌ها تأیید می‌گردد. میزان این رابطه $0/251$ شده است بدان معناست که تغییرات میزان موفقیت دهیاری‌ها $25/1$ درصد تغییرات مهاجرت را تبیین می‌کند. که نشان نقش مدیریت روستایی در پایداری جمعیت روستایی است. بنابراین فرضیه دوم نیز تأیید می‌گردد.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

اگر چه عملکرد دهیاری‌های محدوده مورد مطالعه نشان می‌دهد که امروزه دهیاری‌ها می‌توانند نقش مهمی در راستای توسعه روستایی و تثبیت جمعیت روستایی ایفا نمایند و با تشکیل و تأسیس دهیاری‌ها بخش عمده‌ای از مشکلات کلان مدیریت روستایی که ناشی از نادیده گرفتن مقام اجرایی و تغییرات مداوم ساختاری بوده، به اتمام رسیده است، اما مسائلی وجود دارد که لازم است به حل یا کاهش آن‌ها اقدام گردد؛ زیرا در صورت عدم توجه به این مسائل در روستاها، تقریباً تمامی برنامه‌ها را با شکست مواجه می‌سازد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد بین میزان آشنایی مردم به وظایف دهیاری‌ها و میزان موفقیت دهیاری‌ها دارای رابطه مستقیم و مثبت وجود دارد، یعنی هرچه مردم بیشتر با وظایف دهیاری‌ها آشنا باشند، آن‌ها در کارهایشان بیشتر موفق هستند. زیرا در صورت آشنایی با وظایف دهیاری‌ها با آن‌ها بیشتر همکاری می‌کنند و همچنین بین میزان موفقیت دهیاری‌ها و میزان مهاجرت از روستا رابطه معنادار و معکوس وجود دارد. بدین معنا که هرچه میزان موفقیت دهیاری‌ها بیشتر باشد مردم احساس رضایت بیشتری از زندگی در روستا می‌کنند و در نتیجه میزان مهاجرت کاهش می‌یابد. که این به معنی حل یکی از معضلات کشور یعنی مهاجرت روستا - شهری می‌باشد.

پیشنهاداتی که می‌توان در راستای آشنایی بیشتر روستاییان با دهیاری‌ها و پایداری جمعیت در نواحی روستایی مؤثر باشد عبارتند از: - تا حد ممکن باید مدیریت روستا در دهیاری متمرکز شود. همه باید نهاد را به عنوان عنصر تسهیل کننده روابط بین مردم و دولت بپذیرند.

- از آنجا که دهیاری‌ها نهادی نوپا هستند و از ایجاد آن‌ها بیش از چند سال نمی‌گذرد، موفقیت و یا عدم موفقیت این نهاد تا حدود زیادی بستگی به وجود و یا عدم وجود پیش زمینه‌ها و ساختارهای مناسب اداری و تشکیلاتی دارد.

- دهیاری‌ها با ثبت و ضبط اطلاعات مربوط به شاغلین و بیکاران در روستاهای مذکور و جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات و شناسایی نقاط قوت و توان‌های محیط روستاهای مذکور و توان و قابلیت‌های نیروی انسانی در روستای خویش از سوی دیگر می‌توانند به توسعه فرصت‌های شغلی در روستا بپردازند.

- مشارکت مردم در مدیریت روستایی یکی از محورها و اهداف اساسی در مدیریت نوین روستایی است. بنابراین لازم است مشارکت‌های مردمی در تمامی مراحل تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، اجرا و بهره‌برداری مورد تأکید قرار گیرد.

- دادن اختیارات اجرایی همراه با بودجه کافی به دهیاری‌ها برای انجام برخی از کارهای عمرانی و فرهنگی که باعث جلوگیری از مهاجرت روستا به شهر می‌شود. مثلاً در فرانسه دهیاران یا شهرداران شهرهای کوچک بخشی از بودجه سالانه خود را صرف سرویس رفت و آمد مدارس می‌کنند تا خانواده‌ها مجبور نشوند بخاطر تحصیل فرزندشان مهاجرت کنند.

۷. منابع

۱. ابراهیم‌پور، حبیب و دیگران، ۱۳۹۰، عوامل مؤثر بر رضایت و وفاداری گردشگران در استان اردبیل (مطالعه موردی: منطقه گردشگری سرعین)، فصلنامه مطالعات گردشگری، شماره ۱۴، صص ۶۹-۹۲.
۲. اطلس گیتاشناسی استان‌های ایران، ۱۳۸۳، خ. و، وزارت کشور.

۳. استعلاجی، علیرضا و همکاران، ۱۳۹۰، نقش دهیاری‌ها در توسعه روستایی، مجله دانشنامه جغرافیا، پیاپی ۸۲، صص ۲۲-۱۵.
۴. اکبری، غضنفر و عبدالهی، مجید، ۱۳۸۴، مجموعه قوانین و مقررات ده و دهیاری، چاپ اول، انتشارات قلمستان هنر، تهران.
۵. امانی، مهدی، ۱۳۵۴، لغت‌نامه جمعیت‌شناسی، انتشارات، دانشگاه تهران، تهران.
۶. ایمانی جاجرمی، حسین و عبدالهی، مجید، ۱۳۸۸، بررسی تحولات مدیریت روستایی در ایران از مشروطیت تا زمان حاضر، فصلنامه راهبرد، سال هجدهم، شماره ۵۲، صص ۲۴۴-۲۲۱.
۷. بز، خدارحم و هدایتی، صلاح، ۱۳۸۹، تحولات مدیریت روستا در ایران با تأکید بر عملکرد شوراهای اسلامی مطالعه موردی: منطقه سیستان، فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۳، صص ۱۰۵-۱۲۶.
۸. تقیدسی، احمد و دیگران، ۱۳۸۹، مدیریت سیاسی روستا و تحلیل مقایسه‌ای موفقیت دهیاری‌ها در روستاهای بزرگ و کوچک مطالعه موردی: شهرستان دلفان، تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، دوره ۱۵، شماره ۱۸، صص ۶۶-۵۱.
۹. جعفری‌نژاد، مسعود و همکاران، ۱۳۸۹، بررسی جایگاه دهیاری‌ها به عنوان نهادهای میانجیگری بین دولت و مردم (مورد مطالعه روستاهای شهرستان نجف‌آباد، مجله تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۵، صص ۱۱۴-۸۵.
۱۰. چوبچیان، شهلا و دیگران، ۱۳۸۶، عوامل مؤثر بر عملکرد دهیاری‌های استان گیلان، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۰، شماره ۲، صص ۱۰۸-۸۸.
۱۱. حسونند، احسان و حسن‌وند، اسماعیل، ۱۳۹۰، تجربه دهیاری‌ها، موانع توفیق و کارکردهای آن‌ها: مطالعه موردی دهیاری‌های شهرستان سلسله در استان لرستان، مجله روستا و توسعه، سال ۱۴، شماره ۲، صص ۱۶۴-۱۳۹.
۱۲. رضاییان، علی، ۱۳۸۰، مبانی سازمان مدیریت، انتشارات سمت، چاپ سوم، تهران.
۱۳. رضوانی، محمدرضا، ۱۳۸۳، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، چاپ اول، نشر قومس، تهران.
۱۴. رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و دیگران، ۱۳۸۶، نگرشی نو به مدیریت روستایی با تأکید بر نهادهای تاثیر گذار، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۰ شماره ۲، صص ۳۱-۱.
۱۵. ریاحی، وحید و کرمی نسب، صدیقه، ۱۳۹۲، ارزیابی عملکرد دهیاری‌ها در توسعه فضایی - کالبدی سکونتگاه‌های روستایی مطالعه موردی: بخش کردیان شهرستان چهارم، مجله برنامه‌ریزی منطقه‌ای، شماره ۱۲، صص ۷۰-۶۱.
۱۶. طالب، مهدی، ۱۳۷۶، مدیریت روستایی در ایران، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه، تهران.
۱۷. عبدالهیان، حمید و دیگران، ۱۳۸۵، اندازه‌گیری عملکرد مدیریت روستایی در ایران بر اساس عوامل تاثیرگذار بر فرایند مدیریت در روستاهای ایران، فصلنامه مدرس علوم انسانی، شماره ۴۳، صص ۲۶۷-۲۲۷.
۱۸. فراهانی، حسین و رستم‌خانی، احمد، ۱۳۹۱، بررسی و ارزیابی نقش دهیاری‌ها بر کیفیت زندگی در روستاها؛ مطالعه موردی: دهستان کرسف شهرستان خداآینده، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۳۰، صص ۲۰۶-۱۹۵.
۱۹. فرهادی، صامت و زارع، زهره، ۱۳۸۹، نگرشی بر مدیریت روستایی چین با رویکرد حکمروایی، فصلنامه مسکن و محیط روستا، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، شماره ۱۳۲، صص ۶۰-۴۷.
۲۰. فیروزآبادی، سید احمد و ایمانی جاجرمی، حسین، ۱۳۹۱، وضعیت رضایت روستاییان و عوامل مرتبط با آن از عملکرد دهیاری‌ها مطالعه موردی: روستاهای استان قزوین، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، سال سوم، شماره ۱، صص ۹۱-۶۱.
۲۱. قاسم‌نژاد درویشی، محمود، ۱۳۸۵، بررسی مقایسه‌ای مدیریت روستایی در شهرستان صومعه سرا (۱۳۸۴-۱۳۴۰)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت.
۲۲. قاسمی‌اردهایی، علی، ۱۳۸۵، بررسی علل مهاجرت روستاییان به شهرها در ایران با فرا تحلیل پایان‌نامه‌های تحصیلی (مقطع زمانی ۱۳۵۹-۸۳)، فصلنامه روستا و توسعه بهار ۱۳۸۵؛ ۹ (۱)، صص ۵۱-۸۰.
۲۳. قدیری معصوم، مجتبی و همکاران، ۱۳۹۲، آسیب‌شناسی دهیاری‌های استان آذربایجان شرقی: مطالعه موردی: شهرستان بستان‌آباد، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۶، شماره ۱، صص ۱۱۲-۹۳.
۲۴. کریمی، محمد، ۱۳۸۶، ارزیابی عملکرد دهیاری‌ها در توسعه روستایی مطالعه موردی بخش کندوان شهرستان میانه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
۲۵. لهسایی‌زاده، عبدالعلی، ۱۳۸۸، مدیریت روستایی در ایران معاصر، مجله تعاون، سال ۲۰، شماره ۲۰۳ و ۲۰۲، صص ۶۷-۴۹.
۲۶. مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰، سرشماری عمومی نفوس و مسکن.

۲۷. مشفق، محمود، ۱۳۸۳، برآورد شاخص‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی مناطق روستایی استان‌های ایران و بررسی تأثیر آن‌ها بر مهاجرت‌های روستایی در دهه ۷۵-۱۳۶۵ ه.ش، مجموعه مقالات نخستین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۲۸. مطیعی لنگرودی، سید حسن، ۱۳۸۲، مدیریت برای نوسازی روستایی تجربه اروپا و شمال آمریکا، فصلنامه علمی- پژوهشی جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، دانشگاه فردوسی مشهد.
۲۹. مطیعی لنگرودی، سید حسن، ۱۳۷۰، عمران فضای روستایی، مجموعه مقالات هفتمین کنگره جغرافیایی ایران، انتشارات دانشگاه تهران، صص ۱۸۴-۱۶۲.
۳۰. مهدوی، مسعود، ۱۳۷۷، مقدمه‌ای بر جغرافیای روستایی در ایران، جلد اول، چاپ اول، انتشارات سمت، تهران.
۳۱. مهدوی، مسعود و نجفی‌کانی، علی اکبر، ۱۳۸۴، دهیاری‌ها تجربه‌ای دیگر در مدیریت روستاهای ایران (نمونه موردی: دهیاران استان آذربایجان غربی)، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۳، صص ۲۱-۳۹.
۳۲. نعمتی، مرتضی، ۱۳۸۴، سورا- دهیاری، راهبردی اصلاح طلبانه، ماهنامه دهیاری‌ها، شماره ۱۴ صص ۱۶-۱۴.
۳۳. نعمتی، سید مرتضی و بدری، سیدعلی، ۱۳۸۶، ارزیابی نقش کارکردی نظام نوین مدیریت روستایی، مقایسه تطبیقی دهیاری‌های فعال در روستاهای کوچک و بزرگ- مطالعه‌ی موردی: استان گلستان، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، شماره‌ی ۵۹، صص ۱۷۶-۱۶۱.
۳۴. نقدی، اسدالله، ۱۳۸۳، تحولات شهر و شهرنشینی در ایران، مجموعه مقالات نخستین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۳۵. یاری‌بداغ، لیلا، ۱۳۸۸، بررسی نقش مدیریت روستایی (شوراهای اسلامی و دهیاری) در توسعه روستایی بخش اسالم، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت.